**معرفی چند کتاب**

**مینوی، مجتبی**

حبیب جانم امیدوارم عریضهء دو هفتهء پیش مرا با پنج مقاله‏ای که در آن بود بخدمتت‏ رسانده باشند.اینک یکی دیگر از این حکایات مؤثر که آقای بالیوزی ترجمه کرده استـ

کتاب المعجم و جهشیاری و سبک‏شناسی جلد سوم و سیرة جلال الدین واصل گردید از لطف تو کاملا متشکرم و از مرحمت حضرت آقای بهار امتناع دارم،اما در عرض عریضه‏ خدمت ایشان دست نگاه داشته‏ام تا از خواندن کتاب خودشان فارق شوم،فعلا متجاوز از یک نیمهء آن را قراعت کرده‏ام،کتاب خواندنی و خوبی است و پر از مطالب مفید و ممتع‏ است،اما مبلغی سؤال دربارهء بعضی از مندرجات آن از خود آقای ملک دارم که آنها را خدمتشان عرض خواهم کرد.

آقای یزدانیان که دربارهء او سؤال از من کرده بودی یکی از سادات مکرم زواره است، مدتی در لندن بود،ابتدا باسم محصل دولتی آمده بود همینکه جنگ آغاز شد همهء محصلین‏ راضی بمراجعت شدند جز او،پول باو نرسید بتنگی افتاد در خدمت بی‏بی‏سی داخل شد و تا چهار ماه پیش با ما همکار بود،مرد صاحب اطلاع و با مناعتی است فرانسه و آلمانی و انگلیسی‏ میداند و فارسی او هم بد نیست سه چهار روز پیش از این با کشتی عازم طهران شد لابد او را خواهی دید....

برای کتابی که می‏خواهی بجای شمارهء 11 و 12 یغما منتشر کنی،من همان دیوان‏ ازرقی را که آقای بهار مصلحت دیده‏اند یا یکی دیگر از آن شش دیوانی را که با همین ارزقی‏ در یک جلد است و نسخهء عکسی آن را مرحوم قزوینی از روی یک نسخهء خطی موجود در لندن برای کتابخانهء ملی تهیه کردند بد نمی‏دانم اما اگر میخواهی کتاب نثری چاپ کنی عده‏ای‏ را نام می‏برم:

اولا همان تفسیر یوسف یا قصهء یوسف که نسخهء آن در رشت است چطور است؟از این‏ قصهء یوسف یک نسخهء خوب قدیمی هم در لندن است اگر بخواهی میتوانم عکسی از آن بردارم‏ و برایت بفرستم.

ثانیا با اسکندر نامهء قدیمی که نسخهء آن نزد نفیسی هست و آقای ملک از آن فصلی‏ نقل کرده‏اند چطوری؟

از سمط العلی هم یک نسخهء عکسی خطی جزء کتب کتابخانهء ملی هست و آقای محمد علی عامری سعی در تصحیح و تهیهء آن برای چاپ کرده بود و بد کتابی نیست.

از رسائل بابا افضل یکی هست که نسخهء خطی بسیار قدیم و خوبی از آن در کتابخانهء ملی است و بچاپ می‏ارزد.

کتابی بنام قصهء ابو مسلم و یکی دیگر بعنوان داستان ابو مسلم مروزی در کتابخانهء ملی پاریس است که میتوان عکسی از آنها تهیه کرد و چاپ کرد.و کتاب دیگری‏ بنام دارابنامهء ابو طاهر طرطوسی در لندن است که من بی میل نیستم منتشر بشود.

خود من از دو کتاب برای خود نسخه برداشته‏ام که آنها را لایق چاپ میدانم:

یکی معیار الصدق فی مصداق العشق تألیف نجم الدین صاحب مرصاد العباد است و در عشق عرفانی است،و دیگری مجموعهء چهار رسالهء ادبی بسبک گلستان سعدی که در حدود هشتصد هجری تحریر شده و مؤلف آنها حسام بن محمد رشید صراف خوارزمی که ساکن‏ شوشتر بوده است،چهار رساله از این قرار است:سؤال و جواب میان صاحبدل و چنگ و اجزاء چنگ،نزهة العاشقین،مناظرهء گل بامل،مناظرهء شطرنج‏ با نرد.از اینها گذشته ازجوامع الحکایات عوفی و تفسیر طبری فارسی و تاریخ‏ طبری فارسی از هر یک هر قدر که بتوانی جاپ کنی؛و از زین الاخبار گردیزی(که‏ عکس آنهم در کتابخانهء ملی هست)آن قسمتی را که تاکنون چاپ نشده است،بسیار مفید و مطلوب خواهد بود.

مبالقی از کتب هندی که در عهد سلطنت اکبر پادشاه بقلم فیضی و غیره بفارسی ترجمه‏ شده است موجود است و حتی آقای ملک هم نسخهء بعضی از آنها را دارند میتوانی آنها را یا بعضی از آنها را بطبع برسانی.

من بجزم چیزی را دستور نمیدهم.اختیار با تست.بعد از این باز هم شاید صورت‏ بعضی از کتب جاپ شدنی را بدهم.قربان تو مجتبی.

پاریس-علی اصغر حریری

فروغ با تو

نازنینی که از شمار دو چشم‏ یار شد کم،فروغ با تو بود آنکه با تو ئیش به ملک سخن‏ شد مسلّم،فروغ با تو بود آن ز نو شاعران که شعرش بود غیر مبهم،فروغ با تو بود بعد پروین و ژاله،زن،که سرود شعر محکم،فروغ با تو بود آنکه امسال عید را بر من‏ کرد ماتم،فروغ با تو بود از جمل برشمردم این تاریخ‏ دیدم آن هم«فروغ با تو»بود

1345